

بررسی راهبرد کوره ذوب (یا ادغام اجتماعی) در رژیم صهیونیستی:

مطالعه موردی مهاجران روس‌زبان، آفریقایی و ایرانی

ابوذر گوهری مقدم^۱

محمد پاکدامن^۲

چکیده

راهبرد کوره ذوب یا ادغام اجتماعی، یکی از سیاست‌های ملت‌سازی است که برای کشورهای مهاجرپذیر و چندفرهنگی تجویز می‌شود. این راهبرد، جامعه را به مثابه کوره مذابی در نظر می‌گیرد که افراد مختلف با پیشینه متفاوت پس از ورود به آن، خرده‌هویت‌های پیشین را از دست داده و در یک هویت واحد ملی ادغام می‌شوند. این راهبرد با مؤلفه‌های شغلی، تحصیلی و مذهبی سنجیده می‌شود. در این نوشتار پس از ارائه دو تعریف عمده از راهبرد کوره ذوب و معرفی سنجه موفقیت یا عدم موفقیت آن، وضعیت پیاده‌سازی این راهبرد در رژیم صهیونیستی به بوته نقد گذاشته شده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که در سه گروه قومیتی مختار - مهاجران روس‌زبان، آفریقایی و ایرانی - کوره ذوب بر اثر سیاست‌های نادرست الیت‌ها و سیاست‌گذاران صهیونیستی، با رویکرد حداقلی اجرا شده و هویت افراد - علی‌الخصوص نسل دوم مهاجران - بر اساس هویت والدینشان، تعریف می‌شود. این مهم خود موجب شکست شکل‌دهی یک هویت ملی واحد در درون جامعه صهیونیستی شده و شکاف‌های فعال و نیمه‌فعال را به دنبال داشته است. همین مساله سبب می‌شود که مهاجران نیز در واکنش به رویکردهای غیریت‌سازانه جامعه، نخست خود را با هویت کشور مبدأ و سپس صهیونیستی تعریف کنند و برای مقابله با این غیریت‌سازی به راه‌هایی چون مهاجرت معکوس، اعتراض و یا حتی خشونت سیاسی - اجتماعی متوسل شوند.

واژگان کلیدی: کوره ذوب، رژیم صهیونیستی، هویت، غیریت‌سازی، شکاف‌های سیاسی - اجتماعی

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع) gohari@isu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) pakdamanmohammad1@gmail.com

مقدمه

مسئولان رژیم صهیونیستی خود می‌دانستند که کمبود جمعیتی را می‌بایست از طریق مهاجرت دادن گروه‌های یهودی از سرتاسر جهان جبران کنند و با علم به بحران‌های پیش‌روی اداره کشوری که از قومیت‌ها و زبان‌های مختلف تشکیل خواهد شد، بر اهمیت ایجاد هویت ملی از طریق احیای زبان عبری و ادغام در فرهنگ یهودی - صهیونیستی تاکید داشتند.

از آنجایی که رژیم صهیونیستی خود را خط مقدم غرب در برابر شرق معرفی می‌کند، بدیهی است راهبردی که برای ادغام قومیت‌های مختلف به کار گرفته می‌شود نیز الهام گرفته از غرب باشد. بنابراین رژیم صهیونیستی که از لحاظ مهاجرپذیری، بسیار به ایالات متحده شباهت داشت، الگوی ملت‌سازی آن را نیز اتخاذ کرد و راهبرد کوره ذوب^۱ به صورت رسمی توسط داوید بن‌گوریون به همه نهادها ابلاغ شد (Yuchtman-Yaar, 2005). این راهبرد بیان می‌دارد که سیاستگذاران می‌بایست با ابزارهای مالی و آموزشی، شرایط را به گونه‌ای تغییر دهند که تفاوت‌های موجود میان مهاجران تازه‌وارد و سایر شهروندان از بین برود. این تفاوت‌ها خاستگاه‌های مختلفی چون دین، فرهنگ، زبان و طبقه اجتماعی دارند. عمده جامعه‌شناسان در بررسی مسائل مربوط به ادغام مهاجران در بدنه کشور مقصد، نسل دوم مهاجران را در نظر می‌گیرند. آن‌ها در تبیین ارتباط میان کوره ذوب و نسل دوم مهاجران و پذیرش هویت جدید، دو تعریف را بیان می‌دارند؛ تعریف حداکثری، افرادی که در رژیم صهیونیستی متولد شده‌اند را فارغ از هویت والدینشان، صهیونیستی محسوب می‌کند. حال آنکه تعریف حداقلی، هویت افراد را منحصر در والدین می‌کند. راهبرد کوره ذوب تنها در جایی با موفقیت پیاده شده است که دیدگاه حداکثری غالب باشد (Yitzhaki & Schechtman, 2007; Zameret, 2002).

علی‌رغم آنکه درباره شکاف‌های اجتماعی رژیم صهیونیستی آثاری به زیور طبع آراسته شده‌اند (Eliezer Ben-Rafael, 2016; Ghanem, 2013). اما آنچه کمبود آن احساس می‌شود اهمیت این شکاف‌ها در دکتترین ملت‌سازی رژیم صهیونیستی است. بنابراین در این مقاله، کوره ذوب به عنوان سیاستی که در زمان بن‌گوریون و توسط حزب کار به عنوان راهبرد رسمی انتخاب شده و تاکنون ادامه یافته، با مطالعه تطبیقی سه قومیت روس، آفریقایی و ایرانی در رژیم صهیونیستی به نقد کشیده شده است.

1. Melting Pot

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با بررسی وضعیت اقتصادی و آموزشی این سه قومیت، پیاده‌سازی الگوی کوره ذوب در رژیم صهیونیستی از تعریف حداقلی پیروی می‌کند و هویت افراد بر اساس هویت والدینشان تعریف می‌شود. این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته و داده‌های مورد نیاز آن از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

چهارچوب نظری

ورود عبارت کوره ذوب به علوم اجتماعی از رشته‌های فنی و شیمیایی بوده است؛ همانگونه که فلزات مختلف وارد کوره ذوب می‌شوند تا پس از مذاب شدن، یک همبند را تشکیل دهند. پیشینه ورود این عبارت به عرصه علوم اجتماعی، به نمایشنامه «کوره ذوب، داستان آمریکا بزرگ» نوشته رژیم صهیونیستی زانگویل^۱ باز می‌گردد (United States. Bureau of the Census, 1995). زانگویل ادغام مهاجران اروپای شرقی و یهودیان در هویت آمریکایی را موهبت الهی توصیف کرده و می‌گوید یهودیان و مهاجران در کوره ذوب خدا به گونه‌ای حل می‌شوند که با ویژگی‌های اولیه خود تفاوت بسیار داشته و هویت جدید می‌یابند (Zangwill, 1920).

اما این مقاله به دنبال بررسی نظریات مختلف در باب کوره ذوب نیست بلکه هدف آن است تا مدل فوق به عنوان روشی که به صورت رسمی توسط حزب کار اتخاذ شد با بررسی سه گروه قومیتی در بوته نقد قرار گیرد. باید توضیح داد علی‌رغم آنکه به صورت سنتی نام کوره ذوب با ایالات متحده آمریکا عجین شده اما در مورد رژیم صهیونیستی در ابتدای تأسیس و به تقلید از آمریکا، همین روش به کار گرفته شد؛ بدین صورت که فرایند مهاجرت گروه‌های یهودی مهاجر و نیز ادغام آن‌ها در جامعه صهیونیستی تماماً دولتی و توسط حزب کار صورت می‌گرفت. داوید بن گوریون نیز بارها بر محوریت قرار دادن یهودیان اشکنازی، سایر قومیت‌های یهودی را با آنها مقایسه کرده و در تلاش بود تا از آنان نیز جماعتی شبه اشکنازی به وجود آورد. آنجا که طبقه نخبگانی اشکنازی - افرادی چون بن گوریون و حییم وایزمن - یهودیان مهاجر را ذره‌های انسانی^۲ می‌دانند که فاقد ریشه، تحصیلات، زبان و فرهنگ بوده و می‌بایست تماماً خصلت‌های اشکنازی را به دست آورند (Yuchtman-Yaar; 2005, 91-128 ; Zameret, 2002). این مهم امری است که از همان سال‌ها سیاست ملت‌سازی رژیم صهیونیستی را تشکیل داده است. هر چند امروزه مانند گذشته به صورت رسمی اعلام نمی‌شود اما سیاست‌های اعمالی در همین راستا سامان یافته‌اند (Ram, 2009).

1. Israel Zangwill
2. Human Dust

۲۰۱۶, ۶۲۱۱). بنابراین سیاستگذاران می‌بایست با ابزارهای مالی و آموزشی شرایط را به گونه‌ای تغییر دهند که تفاوت‌های موجود میان مهاجران تازه‌وارد و سایر شهروندان از بین برود. این تفاوت‌ها خاستگاه‌های مختلفی چون دین، فرهنگ، زبان و طبقه اجتماعی دارند. عمده جامعه‌شناسان در بررسی مسائل مربوط به ادغام مهاجران در بدنه کشور مقصد (در این نوشتار رژیم صهیونیستی)، نسل دوم مهاجران را در نظر می‌گیرند. آن‌ها در تبیین ارتباط میان کوره ذوب و نسل دوم مهاجران و پذیرش هویت جدید، دو تعریف را بیان می‌دارند:

- نخست تعریف حداکثری است که بر آن اساس، افرادی که در مرزهای اشغالی متولد شده‌اند، فارغ از هویت والدینشان، صهیونیستی محسوب می‌شوند.
- حال آنکه تعریف حداقلی، هویت افراد را منحصر در والدین می‌کند. راهبرد کوره ذوب تنها در جایی با موفقیت پیاده شده است که دیدگاه حداکثری غالب باشد (Yitzhaki & Schechtman, 2007; Zameret, 2002).

مومی داهان کوره ذوب را از منظر اقتصادی مورد بررسی قرار داده و با ارائه شاخص‌ها بیان می‌دارد که شکاف‌های اقتصادی موجود و میزان درآمدهای مهاجران آسیایی و آفریقایی در مقایسه با صهیونیست‌ها رو به کاهش است. (۲۰۱۳, ۶۲۶). اما بررسی‌ها حاکی از آن است که علی‌الخصوص این دو گروه (مهاجران آسیایی و آفریقایی تبار) در مقایسه با سایر مهاجران و به طبع صبراهای صهیونیستی با مشکلات فراوانی مواجه هستند و پیشرفت‌های صورت گرفته در چند سال اخیر که داهان تاکید ویژه‌ای بر آن دارد، آنچنان قابل ملاحظه نبوده و در عمل شرایط برای فلاشه‌های آفریقایی و مزارخی‌های آسیایی تغییر چندانی نکرده است.

یتصخاکی و اسکچمن نیز همچون داهان رویکردی اقتصادی دارند و مهمترین شاخص موفقیت یا عدم موفقیت کوره ذوب را در وضعیت اقتصادی مهاجران می‌دانند. این دو که توجه خود را معطوف به نسل دوم مهاجران می‌کنند، برای جلوگیری از ایجاد خطا در تفاوت‌های میزان باروری‌ها بین مهاجران، افراد ۳۰ ساله و بالاتر را مورد بررسی قرار می‌دهند. آن‌ها با نشان دادن افزایش ضریب جینی از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۲، نتیجه می‌گیرند که راهبرد کوره ذوب در رژیم صهیونیستی با شکست مواجه شده است (Yitzhaki & Schechtman, 2007).

تصوی زامرت وضعیت راهبرد کوره ذوب در رژیم صهیونیستی را از میان اسناد دولتی موجود

۱. Sabra عبارت است از افرادی که متولد رژیم صهیونیستی هستند.

می‌جوید. او با بررسی گزارش‌های کمیسیون بررسی وضعیت آموزشی کمپ‌های مهاجران در سال‌های اولیه تأسیس حکومت، نتیجه می‌گیرد آنچه در کمپ‌ها می‌گذشت تاکید بر هویت صهیونیستی با وجود تاکید بر ریشه‌های قومیتی مهاجران بوده است (Zameret, 2002). این رویکرد با توجه به تعاریف ذکر شده، در زمره شکل حداقلی قرار گرفته و نشانه عدم موفقیت کوره ذوب است.

افزائیم یار نیز با شاخص‌های مختلفی چون نحوه گذراندن اوقات فراغت و میزان اعتقاد به صهیونیستی بودن، از موفقیت کوره ذوب در رژیم صهیونیستی دفاع می‌کند. او با نشان دادن شباهت مزارخی‌ها به اشکنازی‌ها و بیشتر شدن این شباهت در نسل‌های دوم و سوم، ادعا می‌کند که راهبرد کوره ذوب موفق بوده است، هرچند به صورت بسیار گذرا به تفاوت‌های میان وضعیت مالی و تحصیلی دو گروه مزارخی‌ها و اشکنازی‌ها اشاره می‌کند. دقیقاً ایراد کار افزائیم یار همین جا است چراکه اساساً یکی از مهم‌ترین سنجه‌های کوره ذوب وضعیت بازار کار و نیز تحصیلات است که نادیده گرفتن آنها و پرداختن به اموری که در درجه پایین‌تری از اهمیت هستند - مثل اوقات فراغت - از دقت علمی می‌کاهد.

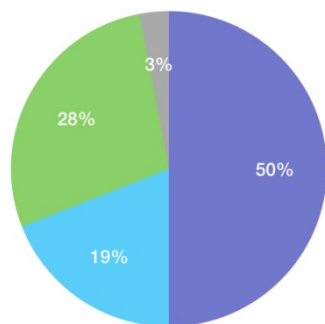
در مجموع باید گفت به نظر می‌رسد مهمترین سنجه کوره ذوب دو مسئله اقتصاد و تحصیلات است. از طرفی این دو شاخص به صورت مطالعه موردی در میان سه قومیت روسی، فلاشا و ایرانی در بوته نقد قرار گرفته‌اند. در آثاری که از دیدگاه اقتصادی به مسئله پرداخته‌اند، وضع تحصیلات مورد مذاقه قرار نگرفته است. تحصیلات با این دیدگاه بررسی شده که در صورت ادغام موفق این گروه‌ها در این عرصه، می‌تواند نشانه‌ای مبنی بر بهبود وضعیت اقتصادی و ورود به بازار کار در نسل‌های بعدی باشد. در این مقاله، علاوه بر دو شاخص فوق، وضع مذهبی نیز بررسی شد است که هرچند در آثار محققان دیگر پرداخته شده اما از آنجایی که آبخخور بسیاری از مشکلات ادغام این مهاجران در جامعه مذهب‌محور رژیم صهیونیستی است، لاجرم اشاره‌ای به این شاخص نیز شده است. دیگر آنکه انتخاب دو قومیت روس و فلاشه علاوه بر جمعیت بسیار زیاد روس‌ها، تلاش بدنه مذهبی مزارخی برای علم کردن آفریقایی‌های فلاشه در مقابل روس‌های مورد حمایت اشکنازی‌ها بوده است. حال آنکه روس‌ها خود شاهد میزان بالایی از غیریت‌سازی از جانب بدنه اشکنازی حاکم بر رژیم صهیونیستی هستند که خود به تنهایی به عنوان نمونه‌ای از شکست کوره ذوب مطرح می‌شوند (سعید، ۲۰۱۴). موضوع ایرانی‌های ساکن در مرزهای اشغالی نیز در ادبیات این حوزه غافل بوده و باوجود اهمیت بسیار آن، نگارندگان را در جمع‌آوری داده‌های مرتبط با کمبود جدی منابع مواجه کرده است.

مهاجران روس زبان

وضعیت مهاجران در کشور مبدأ

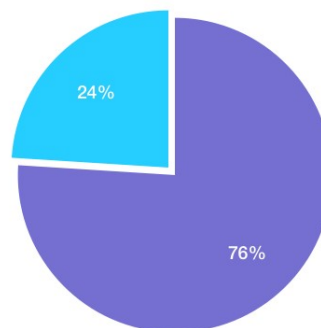
روس‌های یهودی در شوروی سابق شرایط ویژه‌ای داشتند؛ گذشته از وضعیت نابسامان اقتصادی که به علت سیاست‌های اقتصادی نادرست این کشور و نیز فروپاشی، همه‌گیر شده بود؛ کم و بیش حرکت‌های یهودستیزانه مشاهده می‌شد. اگرچه مورد اخیر بیشتر در میانه سال‌های ۱۸۸۲-۱۹۰۳ م (۱۲۶۱-۱۲۸۲ ش) و اقدامات تزار مسیحی ارتدوکس علیه یهودیان بوده و در زمان کومونیست‌ها که اهمیتی به دین‌زدایی داشتند، چندان شایع نبود (سعید، ۲۰۱۴). این مهاجران روس به دلایلی که در ادامه خواهد آمد رژیم صهیونیستی را به عنوان مقصد انتخاب کردند. علت مهاجرت، اقتصادی و برای فرار از شرایط بحرانی شوروی سابق بوده و به هیچ وجه نمی‌توان مدعی شد که دلیل عمده، ایدئولوژیک و یا حتی یهودستیزی بوده است (Rosenthal, 2005; Ghanem, 2013)). ماجد الحاح استاد و معاون دانشگاه حیفا طی دو مصاحبه با این افراد که عبدالوهاب المسیری آن‌ها را «صهیونیست‌های ارتزاق‌کننده»^۱ می‌خواند در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹، نتایج جالبی از علت مهاجرت روس‌ها به دست می‌دهد: (سعید، ۲۰۱۴)

محل مورد علاقه برای زندگی (نتایج مصاحبه با روس‌ها در ۲۰۰۹)



● اسرائیل
● ایالات متحده آمریکا
● اروپا
● سایر کشورها

علت مهاجرت (نتایج مصاحبه با روس‌ها در ۲۰۰۴)



● مهاجرت به دلایل غیر ایدئولوژیک (اقتصادی، یهودستیزی و ...)
● دلایل ایدئولوژیک و مهاجرت به ارض یهود

۱. الصهاینهاالمرترقه

مشکلات مهاجران در درون سرزمین‌های اشغالی

وضع مذهبی

یهودیان موج‌های نخست را عمدتاً حسیدی‌ها که در زمره گروه‌های مذهبی محسوب می‌شوند، تشکیل می‌دادند اما در موج ۱۹۹۰، گروه‌های گسترده غیریهودی وارد فلسطین شدند (سعید، ۲۰۱۴). چنانکه در دسته‌بندی‌های وزارت کشور؛ مهاجران میانه سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ (۱۳۷۴-۱۳۶۹ ش) مسیحی و پس از ۱۹۹۶ م (۱۳۷۵ ش) «بی دین» در نظر گرفته می‌شوند (Ghanem, 2013).

روس‌ها برای اجرای مراسم طبق آیین مسیحیت - مثل برگزاری ازدواج و مراسم تدفین، جشن کریسمس، انجام نیایش‌های مسیحی و تأسیس کلیساها- با مشکل جدی مواجه هستند؛ بنابر قانون خاخامی حاکم بر ازدواج در رژیم صهیونیستی، وصلت یهودی با غیریهودی ممنوع است (Nefesh B'Nefesh, 2017). بنابراین روس‌ها برای ثبت ازدواج به قبرس و یا یونان سفر کرده و به رژیم صهیونیستی باز می‌گردند. این مسئله موجب شده که اعتراض‌ها علیه نهاد خاخامی که مسئولیت نظارت و ثبت امور مذهبی را بر عهده دارد شدت گیرد و بیش از پیش بر آتش کشاکش دیرینه سکولارها و مذهبی‌های ارتدکس افزایش یابد. ناراضیان خواهان رسمیت «ازدواج مدنی» هستند. این مشکل، اما به دلایلی رو به وخامت می‌گزارد:

- نخست آنکه میزان ازدواج مختلط (یهودی و غیریهودی) در میان روس‌ها از همان ۱۹۸۸ م (۱۳۶۷ ش) بالا و به نسبت ۵۸٫۳ درصد در میان مردان و ۴۶٫۷ درصد در میان زنان بوده است (سعید، ۲۰۱۴). این میزان پس از مهاجرت به رژیم صهیونیستی و در سال ۲۰۰۲ به ترتیب به ۷۲ و ۵۳ درصد افزایش پیدا کرده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت تقریباً نیمی از همه خانواده‌های مهاجر پس از ۱۹۹۰ دارای اعضای نیمه یهودی و یا غیریهودی هستند (Remennick, Russian-Speaking Israelis in the Ethno-Social Tapestry of Israel, 2016).

نکته دیگر آنکه اگرچه با تغییر قوانین مهاجرت در ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ ش) فرزندان از یک طرف یهودی و نیز همسران یهودیان، اجازه مهاجرت پیدا کردند اما هیچگاه به طور کامل یهودی محسوب نمی‌شوند. «گویی تنها به اندازه‌ای یهودی بودند که شهروند رژیم صهیونیستی شوند نه آنقدر که بتوانند با یک یهودی ازدواج کنند» (Rosenthal, 2005: 150).

- دومین مسئله، جلوگیری از دفن روس‌های مسیحی در قبرستان‌های یهودی است که تحت

نظر دستگاه دینی اداره می‌شود. به همین علت موارد بسیاری گزارش شده است که فرد پس از مرگش اجازه دفن در کنار دوستان، خانواده و حتی همسر یهودی خود را نمی‌یابد. این مسئله پس از فاش شدن نبش قبر سربازان صهیونیستی روس تبار از قبرستان ارتش به علت تشکیک در یهودیت آنان، اعتراضات گسترده‌ای را به دنبال داشت. اجساد بسیاری برای مدت طولانی در سردخانه‌ها به علت شک در یهودی بودن نگه داشته و از سوی دستگاه خاخامی تحت عنوان «بیگانه‌ها» و یا «اجساد مجهول الهویه» اجازه دفن نمی‌یابند (سعید، ۲۰۱۴).

گذشته از آن، روس‌ها اجازه برگزاری آزادانه جشن کریسمس، احداث کلیسا و انجام مناسک مسیحی را به طور کامل ندارند (Rosenthal, 2005).

وضع فرهنگی

روس‌هایی که در دهه ۱۹۹۰ و بحبوحه حمله موشکی صدام حسین به سرزمین‌های اشغالی آمده بودند، دچار سرگردانی فراوانی شدند چراکه همه رسانه‌ها به زبان عبری بود (Rosenthal, 2005). این بیگانگی با زبان عبری، همچنان وجود دارد. اما این بار روس‌ها دلیلی برای یادگیری آن نمی‌یابند. روس‌ها محیط روسی را با خود آورده‌اند چنانکه شهر قدیمی ریشون لتسیون (=عبری؛ اولین برای صهیون) به ریشون لروس ((=عبری؛ اولین برای روس) مشهور شده و یا در شهرهایی چون اشدود و اشکلون، در رستوران‌ها زبان روسی در کنار عبری و عربی، زبان رسمی است (Rosenthal, 2005). مضاف بر کتابخانه‌ها، باشگاه‌ها، اغذیه فروشی‌ها و مراکز تئاتر (مثل مجموعه گسترده گِشِر) همگی محیط روس دارند. ۷۷ درصد از آنان شبکه‌های صهیونیستی روس‌زبان را دنبال می‌کنند حال آنکه تنها ۲۵ درصد بیننده برنامه‌های عبری هستند. همین برتری در مورد رادیو با نسبت ۴۰ به ۲۱ و در مورد روزنامه به نسبت ۶۰ به ۹ برقرار است (سعید، ۲۰۱۴).

در حقیقت باید گفت روس‌ها فرهنگ خودشان را برتر از عبری می‌دانند و معتقدند رژیم صهیونیستی بر آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد بلکه این آنها هستند که رژیم صهیونیستی را دستخوش تغییر می‌سازند (Asher Arian, 2009)). از سوی دیگر ساختار رژیم صهیونیستی در آموزش و فرایند ادغام آنها شکست خورده است چنانکه شیمون پرز در کنفرانس هرتسلیا در سال ۲۰۰۹ م (۱۳۸۸ ش) اعتراف کرد که در زمینه فرزندان روس و ساخت هویت ملی در درون آنها کم‌کاری شده است (سعید، ۲۰۱۴).

وضع تحصیلات و اشتغال

بیش از یک سوم مهاجران روس در صنایع پیشرفته، بیوتکنولوژی، تکنولوژی و حتی مراتب بالای نظامی و امنیتی شوروی سابق و روسیه کنونی بودند. همین مسئله موجب شد که کرملین در سال ۲۰۰۸ م (۱۳۸۷ ش) تصمیم به جلوگیری از مهاجرت اتباعش بگیرد (Rosenthal, 2005). ورود صاحبان حرف روس، صعود چشمگیر رژیم صهیونیستی در عرصه صنایع پیشرفته را موجب شد اما به اعتراف بخش مهاجرت آژانس یهود در دهه ۱۹۹۰، حکومت رژیم صهیونیستی پاسخی برای مسئله بیکاری روس‌ها ندارد. ابعاد این بیکاری به حدی است که با وجود آنکه روس‌ها تنها ۱۷ تا ۲۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، ۶۶ درصد بیکاری، سهم این قومیت با ۸۲ درصد تحصیلات دانشگاهی است. بسیاری از ۱۴ هزار پزشک، ۱۱ هزار مهندس و ۱۲ هزار صنعتگر پس از ورود به رژیم صهیونیستی شغلی جز مشاغل خدماتی، نگهداری سالمندان، باربری در فرودگاه‌های شهرهایی چون لاد^۱ و اشدود نمی‌یابند (سعید، ۲۰۱۴).

زنان هم با مشکلات بسیاری برای پیدا کردن شغل مناسب مواجه هستند. در حالی که میزان تحصیلات و مهارت زنان روس با مردان برابری می‌کرد، در فرهنگ رژیم صهیونیستی بسیاری از مشاغل برای زنان ممنوع در نظر گرفته می‌شد و یا آنکه اساساً امکان اشتغال این بخش از مهاجران به مشاغلی متناسب با تخصص‌شان وجود نداشت. بیکاری سبب می‌شد که زنان به بزه‌کاری و مردان به جرائم و تشکیل مافیا کشیده شوند (Remennick, Russian Immigrants in Israel, Social Tapestry 2009; Remennick, Russian-Speaking Israelis in the Ethno-of Israel, 2016; سعید، ۲۰۱۴).

واکنش جامعه و مسئولان صهیونیست به مهاجران روس

علاوه بر موارد مذکور، درباره واکنش نامساعد جامعه صهیونیستی به این مهاجران، اقدامات عملی‌تری نیز صورت گرفت که در راستای اعتراض به کمک‌های دولت به روس‌ها بوده است. جنبش‌هایی چون *بیر سیاه*^۲ که به رهبری مزراحی‌ها ایجاد شد (Rosenthal, 2005). اصطلاح *لیبرمنیزاسیون* که برای اعتراض به فشارهای دیپلماتیک لیبرمن در جهت تأمین منافع روس‌ها به حساب سایر گروه‌های صهیونیست به کار می‌رود، لغتی نام‌آشنا در رژیم صهیونیستی است (سعید، ۲۰۱۴). این‌ها همه سبب شده است که جمله‌ای مشهور درباره مهاجران بر سر زبان‌ها بیفتند:

1. Lod
2. Black Panther

«صهیونیست‌ها مهاجرت را دوست دارند نه مهاجران را» (Rosenthal, 2005: 146)). چنانکه در برخی کتابفروشی‌های شهرهای رژیم صهیونیستی کتب ضد روس با نشان صلیب شکسته عرضه می‌شود (سعید، ۲۰۱۴).

علاوه بر عامه مردم، عده‌ای از مسئولان رژیم صهیونیستی مواضع ضدروس خود را علناً بیان داشته‌اند همچون *اورانمیر*^۱ وزیر اسبق کار که مهاجران روس را گدای کمک‌های اجتماعی، تبهکار، تن‌فروش و عامل مشکلات اجتماعی می‌خواند و یا *مورثه شاهال* رئیس اسبق پلیس که مافیای روس را عامل مشکلات اجتماعی می‌داند (Ghanem, 2013).

مهاجران آفریقایی

وضعیت مهاجران در کشور مبدأ

مقامات سیاسی رژیم صهیونیستی در راستای سیاست‌های افزایش جمعیت و تقریباً همزمان با عملیات مهاجرت یهودیان شوروی سابق، پروژه انتقال یهودیان آفریقایی و علی‌الخصوص اتیوپیایی‌ها (فلاشاها) را کلید زدند. برای توجیه انتقال این افراد، وضعیت مرگ‌آور این یهودیان سیاه پوست با شرایط یهودیان آلمان نازی مقایسه می‌شد. در همین راستا و برای ایجاد اجماع میان نمایندگان کنست، در تاریخ ۶ مارس ۱۹۸۴^۲ مستندی به نام «فلاشا: تبعید یهودیان سیاه‌پوست» به کارگردانی *سیمخا یابوکوبویچی* در پارلمان به نمایش درآمد. اما در واقع وضع اسفبار یهودیان آفریقا چیزی نبود که از روی یهودستیزی باشد بلکه این وضعیت عمومی مردم بود که یهودیان نیز بخشی از آن بودند. در حقیقت مهاجرت این افراد، بیشتر به علت گره خوردن منافع دو نهاد قدرتمند رژیم صهیونیستی به وقوع پیوست؛ نخست مسئولان رسمی که در تلاش برای هرچه بیشتر کردن میزان مهاجرت‌ها بودند. چنانکه دیوید بن گوریون می‌گوید: «ما نمی‌توانیم همسایگانمان را مجبور کنیم به امضای قرارداد صلح با ما تن دهند، اما هیچ‌چیز بهتر از به دست آوردن دوست در کشورهای آسیا و آفریقا، نمی‌تواند کینه اعراب نسبت به ما را کاهش دهد» (تقی پور، ۱۳۹۰: ۲۹۴).

عامل دیگر، نهاد خاخامی یهودیان سفارادی به رهبری *اودیا یوسف*^۳ بود. در توضیح بیشتر باید

1. Ora Namir

۱۶.۲ اسفند ۱۳۶۲

3. Ovadia Yosef

گفت که سابقه درگیری میان یهودیان سفارادی و اشکنازی دیرینه است و هر گروه، دیگری را به ضعف دینی و حتی کفر متهم می‌کنند. پس از آنکه مسئولان اشکنازی رژیم صهیونیستی، تصمیم به مهاجرت گسترده روس‌ها گرفتند، نهاد یهودیان سفارادی احساس خطر کرده و برای رویارویی با برتری جمعیتی یهودیان غربی تلاش‌ها را برای مهاجرت دادن یهودیان اتیوپیایی آغاز کرد (حیدر، ۲۰۱۱).

مشکلات مهاجران در درون سرزمین‌های اشغالی

وضع مذهبی

همانطور که گفته شد مهاجرت از اتیوپی عرصه درگیری دو خاخام اعظم اشکنازی و سفارادی بود و پس از مهاجرت یهودیان روس شعله‌ور شد؛ اوفادیا یوسف بر خلاف خاخام اعظم اشکنازی، شلوموگورن^۱، اعلام داشت که قوم بت‌ارزیم صهیونیستی یهودی هستند و بر حق مهاجرت آنان به سرزمین‌های اشغالی پا فشاری کرد. اما این پایان ماجرا نبود و فلاشاها پس از ورود با مشکلات مذهبی عدیده‌ای مواجه شدند؛ از آنجایی که اعتقادات آن‌ها عمدتاً بر پایه رسوم خودشان بود و نیز به علت ناآگاهی نسبت به حلال و حرام از سوی یهودیان مذهبی، رفتاری به مراتب بدتر از سکولارها با آنها می‌شد. برای مثال مجبور بودند به هنگام ثبت ازدواج دوباره فرایند تهوید را طی کنند حال آنکه به هنگام مهاجرت تحت عنوان یهودی ثبت شده بودند. اعتراض یهودیان ارتودکس به این علت بود که می‌پنداشتند پذیرش این افراد به مثابه پذیرش سایر گروه‌هایی که توسط ارتودکس‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود، مثل محافظه کاران، اصلاح طلبان و در نهایت سکولارها، است. همین مسئله سبب شد که ۱۱۰۰۰ تن از فلاشه‌ها به عنوان صهیونیستی و نه یهودی ثبت شوند (حیدر، ۲۰۱۱).

وضع تحصیلات و اشتغال

عمده فلاشاهای مهاجر، جوان بودند به گونه‌ای که ۶۰ درصد را افراد زیر ۲۴ سال تشکیل می‌دادند، از این‌رو مهمترین مسئله، آموزش آنان بود. بنابراین ۹۵ درصد از این مهاجران به مدارس حکومتی-دینی فرستاده شدند (حیدر، ۲۰۱۱). این مدارس به مراتب شهریه پائینی دارند و همین امر سبب می‌شود که مورد استقبال فقرا و افراد قشر ضعیف قرار گیرد. اما این مدارس، سطح نازلی

1. Shlomo Goren

علی‌الخصوص در علوم غیردینی دارند که مشکلات بسیاری را در مقاطع بالاتر برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند (ابوحسنه & موسوی، ۱۳۸۱). علاوه بر مشکلات فوق، اتیوپیایی‌ها با مشکلات بیشتری دست و پنجه نرم می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها ایزوله شدن و لقب‌گذاری است. صهیونیست‌ها تمایلی به ثبت نام فرزندان‌شان در مدارس که فلاشاها هستند، ندارند و همین امر مدارس با اکثریت فلاشا را از سایر مراکز آموزشی متمایز می‌کند. بنابراین دیدگاه پستی نسبت به این مدارس وجود دارد که خود موجب عدم اهتمام مسئولان به افزایش سطح آن‌ها شده است (حیدر، ۲۰۱۱). نتیجه آن که ۶۵ درصد کودکان صهیونیستی اتیوپیایی تبار، زیر خط فقر بوده و تنها پنج درصد دارای مدارک عالی می‌شوند (Do Black Lives Matter in Israel?, 2015).

همه این مشکلات تحصیلی موجب شده که ورود فلاشاها به بازار کار با چالش‌های جدی مواجه شود. همین مسئله آمار زندانیان اتیوپیایی تبار را بالا برده است به گونه‌ای که یک‌پنجم زندان‌ها را نوجوانان اتیوپیایی‌ها تشکیل می‌دهند (حیدر؛ ۲۰۱۱).

رویکرد نژادپرستانه رژیم صهیونیستی نسبت به پناه‌جویان غیر یهودی آفریقایی که عمدتاً از اریتره و سودان به فلسطین آمده و در شهرهایی چون تل‌آویو، آراد، اشدود، اشکلون، ایلت و اورشلیم ساکن شده‌اند، از آنچه در بالا ذکر شد هم اسف‌بارتر است. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر، این افراد توسط رژیم صهیونیستی در سه اردوگاه هالوت^۱، کتزیوت^۲ و ساهارونیم^۳ زندانی می‌شوند (Human Rights Watch, 2014). لازم به ذکر است که کتزیوت، بزرگ‌ترین بازداشتگاه این رژیم با مساحتی حدود ۴۰۰ هزار مترمربع است که همچون دو کمپ دیگر شرایط بسیار نامناسبی چون کمبود غذا، البسه، شکنجه توسط نیروهای امنیتی، محرومیت از ملاقات دارد (Hovel, 2014). بسیاری از افرادی که از رژیم صهیونیستی در طول سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ م (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ ش) از اعطای پناهندگی به مهاجران سودان و اریتره— که عمدتاً مسیحی بوده و از ۲۰۰۲ م (۱۳۸۱ ش) مورد خشونت قرار گرفتند— خودداری کرده، در دسامبر ۲۰۱۳ م (۱۳۹۲ ش) اعلام کرد که این مهاجران می‌بایست خود را به کمپ هالوت^۴ در صحرای نقب معرفی کنند. این افراد می‌بایست سه نوبت در روز خود را به این کمپ که توسط اداره زندان‌های رژیم صهیونیستی کنترل می‌شود معرفی و حضور خود را ثبت کنند. ضمن اینکه می‌بایست از ساعت ۱۰ شب تا ۶ صبح در

1. Holot
2. Ktzi'ot
3. Saharonim
4. Holot detention center

این زندان که فنس‌هایی به ارتفاع ۴ متر دارد سر کنند. دیده‌بان حقوق بشر ادامه می‌دهد که در هریک از خوابگاه‌ها ۱۰ تن زندانی هستند و فضای اتاق‌ها سرد و غذا بسیار اندک است به گونه‌ای که این مهاجران همواره از گرسنگی رنج می‌برند؛ علاوه بر این، مواردی از شکنجه تا حد مرگ نیز گزارش شده است. این در حالی است که صاحبان مشاغل حتی از بکارگیری مهاجران قانونی اریتره‌ای و سودانی منع شده و حق داشتن همسر و فرزند از این مهاجران سلب و مدارک آنان انکار می‌شود (Human Rights Watch, 2014).

واکنش جامعه و مسئولان صهیونیست به مهاجران آفریقایی

جامعه صهیونیستی به مهاجران آفریقایی به مثابه بدوی‌ها و افرادی که فرهنگ پایینی دارند و یا مجرمان می‌نگرد. همین دیدگاه علاوه بر رسانه‌ها به مسئولان و سیاسیون صهیونیست نیز سرایت پیدا کرده است. چنانکه *الی یشائی*^۱، وزیر داخلی پیشین رژیم صهیونیستی از حزب شاس، بیان می‌دارد: «مادامی که رژیم صهیونیستی نمی‌تواند آن‌ها را اخراج کند می‌بایست غل و زنجیرشان کند تا به بدبختی و فلاکت بیفتند» (Human Rights Watch, 2014: 5).

فلاشاها به این نتیجه رسیده‌اند که حتی اگر بتوانند بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود غالب شوند، نمی‌توانند شکاف موجود با سایر گروه‌های صهیونیست را بهبود بخشند. ابعاد این تبعیض نژادی پس از آن مشخص شد که وزارت بهداشت رژیم صهیونیستی و سازمان ستاره داوود، خون افرادی که پس از دو سالگی وارد سرزمین‌های اشغالی شده‌اند را به اتهام ابتلا به ایدز نمی‌پذیرد (حیدر، ۲۰۱۱). این موضوع پس از اجتناب از پذیرفتن اهدای خون پنینا تامانو-شته^۲، اولین زن اتیوپیایی تبار که توانست به کنست راه یابد، به جنجالی تازه بدل شد. وی در گفتگو با شبکه ۱۰ رژیم صهیونیستی خاطرنشان کرد این اقدام موجب جریحه‌دار کردن احساسات جامعه اتیوپیان در رژیم صهیونیستی خواهد شد و با بیان اینکه در دوران تحصیل در کالج، رهبری تظاهرات علیه تبعیض نژادی را بر عهده داشته، انگیزه‌اش از ورود به سیاست را مرهم نهادن بر رنج‌های گذشته عنوان می‌کند (Eglash, 2016; Lewis, 2013). از دیگر موارد واکنش منفی مسئولان درمانی رژیم صهیونیستی، می‌توان به استفاده از آمپول‌های کنترل موالید کورتون از نوع مدروکسی پروژسترون^۳ (بانام تجاری دپو - پروورا^۴) بر روی زنان اتیوپیایی برای عقیم‌سازی آنان یاد کرد

1. Eli Yishai
2. Pnina Tamano-Shata
3. Medroxyprogesterone
4. Depo-Provera

(Nesher, 2012).

پلیس و نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی نیز رفتار نژادپرستانه‌ای علیه فلاشاها دارند. افرتیردی^۱، فعال رژیم صهیونیستی اتیوپیایی تبار، در مصاحبه‌ای با الجزیره استریم می‌گوید، برادرانش به هنگام عبور از خیابان امنیت ندارند و هر لحظه امکان دارد که کسی آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار دهد. وی در ادامه می‌افزاید: «ما وقتی پلیس را می‌بینیم احساس امنیت نمی‌کنیم چراکه علیه ما خشونت اعمال می‌کند.» فنتاهونآصفا - داویت^۲، مدیر موسسه تیبکا^۳، نیز بیان می‌دارد: «بسیاری از نوجوانان سیاه‌پوست در رژیم صهیونیستی تجربه خشونت پلیس را دارند.» اما در سریال ضرب و شتم آفریقاییان توسط پلیس رژیم صهیونیستی، حادثه ضرب و شتم داماسپکادا^۴، سرباز IDF اتیوپیایی تبار، نقطه عطفی محسوب می‌شود. این امر از آنجا اهمیت داشت که به تعبیر/فرت یردی زخم کهنه یک نسل آسیب‌دیده را تازه کرد (The Stream - Black and Jewish in Israel, 2015).

افراد غیرنظامی اتیوپیایی نیز توسط پلیس رژیم صهیونیستی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و می‌گیرند حتی در مواردی این افراد توسط پلیس به قتل رسیده‌اند که یوسف سلمسا^۵ یکی از مواردی بود که تحت بایکوت شدید رسانه‌های غیرعبری، اعتراضات بسیار گسترده‌ای را در رسانه‌های محلی رژیم صهیونیستی و نیز در میان افکار عمومی برانگیخت؛ اقداماتی چون تجمع در مقابل بیمارستانی که سلمسا در آن بستری بود، یک سال پس از درگذشت وی در بیت‌المقدس و با رژه خودروها با عکس او و ایجاد کمپین‌های گسترده با عنوان #من_هم_یوسف_سلامسا_هستم (#גם_אהי_יוסף_סלמסה) و تولید تی‌شرت‌ها و گردن‌آویزهایی با این شعار (לוזרר של יוסף סלמסה ז"ל, ۲۰۱۷; نگد, ۲۰۱۶).

مهاجران ایرانی

وضعیت مهاجران در کشور مبدأ

وضع زندگی یهودیان در ایران - علی‌رغم فراز و نشیب‌هایی - در مجموع از وضعیت قابل قبولی

1. Efrat Yerday
2. Fentahun Assefa-Dawit
3. Tebeka
4. Damas Pakada
5. Yosef Salamsa

برخوردار بوده است؛ چنانکه بر اساس تواریخ رسمی، آن دسته از یهودیان که به دست کوروش هخامنشی آزاد شده بودند، به اورشلیم بازنگشته، در همان بابل سکنی گزیده و طبقه الیگارش یهودی را در آنجا تشکیل دادند. در ایران، یهودیان مجال تکمیل فعالیت‌های مذهبی را به صورت جدی تری یافتند؛ به گونه‌ای که تورات بابلی از نسخه اورشلمی مفصل‌تر است و این خود گواه این مدعاست. این امر، پس از انقلاب اسلامی ایران هم صادق است؛ چنان‌که /سحاق کلینباوم^۱، یکی از مقامات آژانس یهود در فلسطین، در گزارش سال ۱۹۴۶ خود می‌گوید که در مقایسه با یهودیان اروپا، وضعیت یهودیان ایران بهتر بوده؛ چرا که بسیاری از حقوق آن‌ها به واسطه قانون فقهی اهل ذمه محفوظ بود (Cecolin, 2016).

باید گفت یهودیان ایرانی حتی پس از انقلاب تمایلی به مهاجرت به رژیم صهیونیستی نداشتند چنانکه نه تنها حمایت خود را در همان روزهای نخست از انقلاب اسلامی اعلام کردند بلکه از نمایندگان آژانس یهود که برای فراهم آوردن مقدمات مهاجرت، به ایران آمده بودند درخواست ترک ایران و توقف فعالیت‌های مهاجرتی را داشتند (Ram, Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession, 2009).

مشکلات مهاجران در درون سرزمین‌های اشغالی

وضع مذهبی

مقامات صهیونیست بی‌میلی یهودیان ایران نسبت به مهاجرت به رژیم صهیونیستی را به علت فقدان بن‌مایه‌های صهیونیستی لازم دانسته و با پیوند دادن صهیونیسم به یهودیت، یهودیان ایران را به بی‌اطلاعی نسبت به ارزش‌های دینی متهم می‌کردند. بنابراین، آلیانس رژیم صهیونیستی^۲ (آژانس یهود) مدارس خود را با هدف تأثیرگذاری بر قشر روشنفکر یهودی ایران در میانه سال‌های ۱۸۹۴ م (۱۲۷۳ ش) و ۱۹۰۴ م (۱۲۸۳ ش) تأسیس کرد. این مدارس، به‌علت آموزش رایگان با استقبال زیادی مواجه شدند. ضمن اینکه در این مؤسسات، علاوه بر یهودیان، غیریهودیان اروپایی که با گسترش فعالیت‌های استعماری دول متبوع خود به ایران سرازیر شده بودند نیز، حضور داشتند.

برنامه درسی این مدارس، سکولار بوده و فاصله بسیاری تا تعلیمات مذهبی یهود داشت که این

1. Itzhak Kleinbaum

2. Alliance Isarelite Universelle (AIU)

خود، موجب بدبینی یهودیان ایرانی به پدیده صهیونیسم می‌شد. خاخام «اسحاق مئیرلوی» که در سال ۱۹۴۳ م (۱۳۲۲ ش) به ایران آمده بود، مدارس اوتصرهاتوراه^۱ - که بزرگ‌ترین مؤسسه ارائه آموزش یهودیت سنتی بود - را برای تقویت بن‌مایه‌های دینی یهودیان ایرانی در مقابل مدارس سکولار ذکر شده، تأسیس نمود. اوتصرهاتوراه، زیرمجموعه حزب ارتودکس آگودات ییسرائیل^۲ محسوب می‌شد. ناگفته پیداست که ایران، به عرصه تقابل گروه‌های یهودی مذهبی و سکولار بدل شده بود (Cecolin, 2016).

به طور کلی به نظر می‌آید که از لحاظ مذهبی، عمده یهودیان ایرانی در زمره یهودیان مسورتی^۳ (سنتی) قرار می‌گیرند که به معنای رعایت آموزه‌های یهودی به صورت سنتی است (See also Cecolin, 2016)

وضع فرهنگی

یهودیان ایران، به شدت وابسته به فرهنگ ایرانی بوده‌اند؛ امری که در تضاد با صهیونیسم به‌عنوان جبهه غرب در میان آسیا است (Ram, Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession, 2009). تفاوت دو موج مهاجرت یهودیان ایرانی در سال‌های ۱۹۵۱ م (۱۳۳۰ ش) و ۱۹۷۹ م (۱۳۵۷ ش) را می‌توان در تأثیرپذیری از فرهنگ و سنت ایرانی دانست؛ به‌گونه‌ای که یهودیان موج نخست، بیشتر تحت تأثیر سنت‌های ایرانی بودند، تا ایدئولوژی سیاسی. اگرچه یهودیان موج بعدی هم به شدت تحت تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی بودند، اما این میزان به‌مراتب با گذشت زمان افول می‌کرد. همین عامل، یعنی تأثیرپذیری از فرهنگ ایرانی، عامل منزوی شدن یهودیان ایرانی در جامعه رژیم صهیونیستی است (Cecolin, 2016).

وضع تحصیلات و اشتغال

یهودیانی که قرار بود در رژیم صهیونیستی زندگی کنند، در کیبوتص^۴ آموزش داده می‌شدند و از آن‌جایی که در این مراکز، منطق اشتراکی حاکم بود و تعلقات خانوادگی و مالی زدوده می‌شد، این مسئله نارضایتی‌های فراوانی را در میان یهودیان ایرانی به‌وجود آورد و اعتراضاتی را در کیبوتص گیواعتبرنر^۵ برانگیخت؛ در نتیجه تنها سه الی چهار درصد، این سبک زندگی را برتابیدند.^۱ از

1. Ozar Hatorah
2. Agudat Yisrael
3. Masorti
4. Kibbutz
5. Givat Berner

همین رو بخش قابل توجهی از ایرانیان مهاجر در مشاغل خرد و کارگاه‌های کوچک و دست‌فروشی مشغول به کار شدند، این مهم به دو علت بود؛ (Cecolin, 2016)

- نخست آنکه افرادی که در ایران از سطح رفاه نسبی بالایی برخوردار نبودند و از طرف دیگر توانایی مالی مهاجرت به اروپا و امریکا را نداشتند، رژیم صهیونیستی را به عنوان جایگزین برگزیده بودند. ضمن اینکه این افراد عمدتاً سطح سواد نازلی داشتند که موجب عدم موفقیت آن‌ها در یافتن شغل مناسب می‌شد.

- دیگر آنکه همانطور که گفته شد، ساختار کیبوتصی برای آموزش تازه واردان ایرانی انتخاب شد. این ساز و کار به چند علت نتوانست به مثابه کوره ذوب^۲ برای یهودیان ایرانی عمل کند؛ از طرفی بن‌مایه‌های سنتی این افراد که بدان وابسته بودند زدوده می‌شد و از سوی دیگر هدف نهایی کیبوتص در دو محور نظامی- دینی دنبال می‌شد؛ از منظر دینی که یهودیان ایرانی، بددین محسوب می‌شدند و از منظر نظامی هم هدف آن بود «ساکتین کیبوتص به جنگجویانی بدل شوند که چیزی جز قتل و تخریب نمی‌شناسند» و این مطلب با فرهنگ صلح‌طلب ایرانی تعارض جدی داشت (عدونی، ۲۰۱۷).

نکته اینجاست که نسل‌های بعدی مهاجران ایرانی، اگرچه با فراگرفتن زبان عبری و کنار گذاشتن هویت ایرانی خویش، تا حد زیادی با جامعه رژیم صهیونیستی ممزوج شده‌اند، اما همچنان از تبعیض‌های آشکار برای یافتن شغل رنج می‌برند (Cecolin, 2016).

واکنش‌ها نسبت به مهاجران ایرانی

واکنش جامعه

جامعه اشکنازی رژیم صهیونیستی تا آنجایی پذیرای یهودیان ایرانی بود که مشی غربی داشته و آداب و سنن شرقی خویش را کنار بگذارند. این مسئله، تا جایی است که صهیونیسم به عنوان راهی برای شرق‌زدایی به شمار می‌رود. به همین ترتیب، تا زمانی که پهلوی دوم سیاست‌های غرب‌زدگی را ترویج می‌کرد، یهودیان نیز عضوی از جامعه اشکنازی محسوب می‌شدند؛ اما با تغییر این سیاست‌ها، به یهودیان ایران به مثابه بیگانه‌هایی نگریسته می‌شد که می‌بایست غربی شوند. این نفرت یهودیان غربی تا جایی ادامه پیدا می‌کرد که علیه یهودیان ایرانی تلخند ساخته، آن‌ها را «پارسی و

۱. در کشورهای چون ایران، عراق و سوریه، ایدئولوژی کیبوتصی توسط انجمن بسیار فعال نهضت هالوتص اشاعه داده می‌شد.

2. Melting Pot

بربر» می‌خواندند و صفاتی چون «خسیس بودن» را بدان‌ها نسبت می‌دادند. این شرق‌ستیزی به‌گونه‌ای است که اگر یک یهودی ایرانی می‌خواهد در جامعه رژیم صهیونیستی رشد کند، می‌بایست کاملاً غربی شود. ایرانیان یهودی رژیم صهیونیستی که به مقامی دست یافته‌اند (همچون «موشه کتساو»، نخست وزیر اسبق و «شائول موفاز»، وزیر اسبق دفاع) در مورد ایران در شمار جنگ‌طلب‌ترین رهبران رژیم صهیونیستی هستند (Parsi, 2007; Ram, Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession, 2009). یهودیان ایرانی رژیم صهیونیستی به‌علت وابستگی به سنت‌هایشان، بسیار نسبت به جامعه صهیونیستی بیگانه بوده و به این نتیجه رسیدند که اگرچه در ایران به‌عنوان اقلیت دینی محسوب می‌شدند، اما در رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک اقلیت قومی شناخته می‌شوند. حال آن‌که در ایران به‌عنوان هم‌وطن و اقلیت دینی پذیرفته شده بودند.

واکنش مسئولان

پس از ورود به رژیم صهیونیستی، از این مهاجران برخلاف سایر هم‌کیشان اشکنازی‌شان، نه تنها استقبال درخوری نشد، بلکه آن‌ها را با کامیون‌هایی به کمپ‌ها و شهرک‌های دورافتاده‌ای که فاقد آب و برق و امکانات اولیه بودند، انتقال دادند. بعدها، این افراد را به کمپ‌های انتقالی و مزارع اشتراکی منتقل کردند؛ شهرک‌هایی چون بیت شتان، بئر سبع، کفر سابا، اشکلون، نتانیا، رامات‌هاشارون، کادیما و کارکو (Cecolin, 2016).

دیرزمانی مقامات صهیونیست، دستگاه حاکم ایران را به آلمان نازی و یهودیان ایران را به قربانیان هولوکاست تشبیه کرده، بر طبل هولوکاست قرن جدید توسط ایران می‌کوبیدند. اما پس از وقوع انقلاب اسلامی و بی‌علاقه شدن یهودیان به مهاجرت، حامیان صهیونیسم با شکافی اساسی در شالوده سوء استفاده از هولوکاست مواجه شدند و این مسئله برای صهیونیست‌ها که دائماً در سایه هولوکاست زندگی می‌کنند، قابل‌درک نیست (Ram, Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession, 2009).

آن‌چه صهیونیست‌ها از آن نگران‌اند، این است که یهودیان ایرانی با خودداری از مهاجرت به رژیم صهیونیستی، راه‌حل سومی را مطرح کردند؛ پیش از این، چنین تبلیغ می‌شد که یهودیان یا در حالت دیاسپورا و تبعید هستند و یا به ارض موعود آمده، رستگار می‌شوند. اما اقدامات یهودیان ایرانی و تمایل‌شان برای ماندن در ایران، حالت سومی را مطرح کرد که نه تبعید و نه رستگاری ادعایی صهیونیست‌ها بود.

افرادی که به رژیم صهیونیستی مهاجرت کرده‌اند، به‌هیچ‌وجه آن را سرزمین رؤیایی مقدس

نمی‌یابند؛ بلکه کشوری که همچون سایر کشورها مشکلات اقتصادی-اجتماعی خود را داشته و حتی از لحاظ اقتصادی، وضعیت آن‌ها را از ایران هم وخیم‌تر کرده است. نسل‌های بعد مهاجران ایرانی هم که با وجود فراگیری زبان عبری و کنار گذاشتن هویت ایرانی خویش، تا حد زیادی با جامعه رژیم صهیونیستی ممزوج شده‌اند، هم‌چنان از تبعیض‌های آشکار برای یافتن شغل رنج می‌برند (Cecolin, 2016).

واکنش‌های این مهاجران به تبعیض‌ها

مهاجران مذکور به این نتیجه رسیده‌اند که می‌بایست در مقابل تبعیض‌های موجود پاسخی درخور بیابند، هرچند این عکس‌العمل در میان هرکدام از این گروه‌ها شدت و ضعف متفاوتی داشته است. اولین گزینه برای این افراد، مهاجرت معکوس به آمریکا یا اروپا است. در حالی که بازگشت به سرزمین مادری برای دو گروه یهودیان ایرانی و اتیوپیایی امکان‌پذیر نبوده و برای روس‌ها هم این امکان به صورت کامل امکان‌پذیر نیست. هرچند میزان مهاجرت روس‌ها در سال ۲۰۰۶ نسبت به ۲۰۰۳، ۶ برابر شد و همچنان رو به افزایش است (Gomel, 2009; Human Rights Watch, 2014; Ram, Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession, 2009; Ghanem, 2013). بنابراین آن دسته از افرادی که توانایی مهاجرت دارند نسبت به اینکار همت می‌گمارند اما افرادی که از این امکان برخوردار نیستند راهی جز دفاع از حقوق خود ندارند.

با توجه به کثرت روس‌ها و نیز دید بهتر جامعه به آن‌ها نسبت به دو گروه دیگر، امکان تشکیل گروه‌ها و نهادسازی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتر بوده است. لذا از همان ابتدا ورود روس‌ها در سال‌های ۱۹۹۰ شاهد تأسیس حزب روس‌تبار *یسرائیل بعالیا*^۱ هستیم، حرکتی که بعدها با حزب بانفوذ *یسرائیل بیتنوا*^۲ ادامه یافت و گاهی خصیصه راست‌گرایی مشترک در آنها تا اندازه حزب افراطی *عدالت/اجتماعی* افزایش می‌یافت. در هر حال روس‌ها تلاش دارند تا با تحزب و تصاحب مناصب دولتی علی‌الخصوص وزارت کشور بتوانند منافع خود و در صدر همه، حقوق شهروندی کامل - فارغ از تقسیم‌بندی‌های مذهبی - را برای خودشان متضمن شوند (Ghanem, 2013). در عین حال طبقه ضعیف روس که از صعود در آفاق سیاست رژیم صهیونیستی محروم هستند، روی به مبارزه می‌آورند. گاه این مبارزه، صورت تظاهرات به خود می‌گیرد؛ همچون آنچه هر شب در درگیری روس‌های سکولار با اولترا

1. Yisrael BaAliya
2. Yisrael Beytenu

ارتدکس‌های خریدی شاهد هستیم که نقطه اوج آن تظاهرات خیابان دانشگاه بار ایلان^۱ بود و یا آنکه همچون انقلاب اجتماعی ۲۰۱۱ به صورت عمومی و در اعتراض به وضع موجود می‌باشد (سعید، ۲۰۱۴) (Efron, 2003). مشکل اصلی آنجاست که راست‌گرایی روس‌ها چهره خشن به خود می‌گیرد و گروه‌های نئونازی قدرت می‌یابند.

وضع مهاجران اتیوپیایی اما، با سایرین متفاوت است. این گروه با وجود ادغام کامل در کوره ذوب رژیم صهیونیستی، دریافته‌اند که همیشه به صورت یک گروه اجنبی انگاشته می‌شوند. با این حال، کورسویی وجود دارد که بتوانند با حرکت‌هایی چون اتحادیه سازمان‌های مهاجرین اتیوپیایی در سال ۱۹۹۰، سازمان‌های اتیوپیایی رژیم صهیونیستی را در راستای احقاق حقوق خود بسیج کنند (حیدر، ۲۰۱۱). امری که به دلایل مختلف از جمله ضعف آموزشی و تحصیلات، ضعف معیشتی، عدم وجود انسجام سیاسی و از همه مهم‌تر نژادپرستی بعید به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

حامد ربیع، متفکر مصری، سیمای کشمکش‌های درونی رژیم صهیونیستی را به ۵ گروه تقسیم می‌کند که آنچه در بالا آمد خود بیانگر سه دسته از این شکاف‌ها است که به صورت خلاصه در ذیل می‌آید (سعید، ۲۰۱۴):

۱. نخست بحران میان یهودی شرقی و یهودی غربی؛ همچون تمایز میان مهاجران روس از یک‌سو و مهاجران ایرانی و اتیوپیایی از سوی دیگر؛

۲. بحران میان یهودیان مذهبی و سکولار؛ همچون تجربه هر سه گروه مذکور در مواجهه با نهادهای خاخامی؛

۳. بحران میان صبراها و مهاجران تازه‌وارد؛ این بحران علاوه بر واکنش جامعه صهیونیست با قومیت‌های مذکور از لحاظ درونی، گریبان خود قومیت‌ها را هم گرفته است. به گونه‌ای که حتی صبراهایی با اصالت روس، ایرانی و اتیوپیایی و علی‌رغم تجربه تلخ خودشان، نسبت به مهاجران تازه‌وارد دید منفی دارند (Sela-Sheyovitz, 2012; Zameret, 2002).

سیمخالنداو^۲، استاد دانشگاه عبری اورشلیم، هم علاوه بر موارد فوق، ریشه بحران‌های اجتماعی رژیم صهیونیستی را در عواملی چون کشمکش جناح راست و چپ (به صورت سنتی روس‌ها راست‌گرا و اتیوپیایی‌ها و تا حدودی ایرانیان چپ‌گرا بوده‌اند) می‌داند.

1. Bar-Ilan
2. Simha Landau

به عبارت دیگر رژیم صهیونیستی در اتخاذ سیاست مناسب در راستای ادغام مهاجران که از آن تحت عنوان کوره ذوب یاد می‌شود، ناتوان بوده است. چنانکه هر کدام از این قومیت‌ها در زمان اسکان در سرزمین مبدأ تحت عنوان یهودی خوانده می‌شدند، حال آنکه در رژیم صهیونیستی با کشور مبدأشان شناخته می‌شوند و این مهم به معنای عدم اهتمام مسئولان رژیم صهیونیستی به عنصر یهودیت در جامعه صهیونیستی و طبقاتی بودن آن است.

این شکاف‌ها در همه ابعاد مذهبی، فرهنگی، تحصیلات و اشتغال، دامن‌گیر قومیت‌های مختلف شده و واکنش منفی جامعه صهیونیستی نیز ناتوانی هرچه بیشتر کوره ذوب را به دنبال داشته و این حس را در گروه‌های مختلف ایجاد کرده که همچون اروپای پیش از جنگ جهانی، گتوهای متعددی برای قومیت‌های مختلف تشکیل شده است. به گونه‌ای که اگرچه در کشور مبدأ خود با عنوان یهودی شناخته می‌شدند اما عضوی از هویت ملی بودند، حال آنکه در کشور خودخوانده یهود این مسئله وجود ندارد. این مشکل در میان غیریهودیان به مراتب شدیدتر است؛ همین امر مبارزات برای به رسمیت شناخته شدن حقوق شهروندی به صورت کامل و فارغ از تقسیم‌بندی‌های مذهبی را افزایش داده است.

این مشکلات ریشه‌ای هر بار به صورتی سرباز کرده و ناپایداری جامعه و تنش‌ها را روز به روز تشدید می‌کند. امری که علاوه بر محققان، مسئولان بلندپایه رژیم صهیونیستی را هم نگران فروپاشی داخلی کرده است؛ چنانکه علاوه بر تامیرپاردو، رئیس سابق موساد، بنیامین نتانیاهاو، نخست وزیر وقت، را وا داشته تا نسبت بدان ابراز نگرانی کند (Shpigel & Lis, 2016).

منابع

۱. فارسی

- تقی پور، م، (۱۳۹۰)، *استراتژی پیرامونی اسرائیل*، نسخه چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- نافذ، ابوحسنه و موسوی، سیدحسین، (۱۳۸۱)، *دینداران و سکولارها در جامعه اسرائیل*، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

۲. انگلیسی، عربی و عبری

- Asher Arian, M. P, (2009), *Auditing Israeli Democracy – 2009 Twenty Years of Immigration from the Soviet Union*. Jerusalem, Israel: The Israel Democracy Institute (R. A.).
- Cecolin, A, (2016), *Iranian Jews in Israel: Between Persian Cultural Identity and Israeli Nationalism*, London, New York: I.B.Tauris & Co Ltd.
- Efron, N, (2003), *Real Jews: Secular Versus Ultra- Orthodox: The Struggle For Jewish Identity In Israel*. New York, NY, United States of America: Basic Books.
- Eglash, R, (2016, July 10), *Ethiopian-born Jews on life in Israel: 'It was Always my Dream to Come to Jerusalem'*, Retrieved October 13, 2017, from The Washington Post: https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2016/07/10/ethiopian-born-jews-on-life-in-israel-it-was-always-my-dream-to-come-to-jerusalem/?utm_term=.e9d0fe19fd49.
- Eliezer Ben-Rafael, J. H. (Ed.), (2016), *Handbook of Israel: Major Debates*. Berlin, Germany: Walter de Gruyter GmbH.
- Ghanem, A, (2013), *Ethnic Politics in Israel: The Margins and the Ashkenazi Centre* (1st edition ed.), New York, NY, United States of America: Routledge.
- Gomel, E, (2009), *The Pilgrim Soul: Being Russian in Israel*. Amherst, United States of America: Cambria Press.
- Hovel, R, (2014), *Report: Unfit Conditions at Saharonim Migrant Detention Center*. Retrieved October 12, 2017, February 4, from HAARETZ: <https://www.haaretz.com/israel-news/1.572298>.
- Human Rights Watch, (2014), "Make Their Lives Miserable" Israel's Coercion of Eritrean and Sudanese Asylum Seekers to Leave Israel, December 12, Human Rights Watch.
- Lewis, O, (2013), *Blood donation collectors thrown out of Israeli parliament*. Retrieved October 13, 2017, from REUTERS: <http://www.reuters.com/article/us-israel-blood/blood-donation-collectors-thrown-out-of-israeli-parliament-idUSBRE9BA1B120131211>.

- Nefesh, B'Nefesh, (2017), *Law of Return: Jewish Immigration to Israel Requirements*, (Nefesh B'Nefesh) Retrieved September 14, 2017, from Nefesh B'Nefesh: Make Aliyah, March 15, Move to Israel. Live the Dream: <http://www.nbn.org.il/aliyahpedia/government-services/government-benefits-new-immigrants-oleh-chadash/the-law-of-return>.
- Nesher, T, (2012), *Why Is the Birth Rate in Israel's Ethiopian Community Declining?* Retrieved October 13, 2017, December 9, from HAARETZ: <https://www.haaretz.com/israel-news/why-is-the-birth-rate-in-israel-s-ethiopian-community-declining.premium-1.483494>.
- Parsi, T, (2007), *Treacherous Alliance: The Secret Dealings of Israel, Iran, and the United States*. United States of America: Yale University Press.
- Pew Research Center, (2016), *Global Religious Futures*. Washington: Pew Research Center.
- Ram, H , (2009), *Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession) 1st Edition*, Stanford, California, United States of America: Stanford University Press.
- Ram, H, (2009), *Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession* (1st Edition ed.). Stanford, California, United States of America: Stanford University Press.
- Remennick, L, (2009), *Russian Immigrants in Israel*. Retrieved October 9, 2017, March 1, from Jewish Women's Archive: <https://jwa.org/encyclopedia/article/russian-immigrants-in-israel>.
- Remennick, L, (2016), "Russian-Speaking Israelis in the Ethno-Social Tapestry of Israel", In A. Weberling, E. Ben-Rafael, J. H. Schoeps, Y. Sternberg, & O. Glöckner (Eds.), *Handbook of Israel: Major Debates*, Vol. I, pp. 201-216, Berlin/Boston, Germany: Walter de Gruyter GmbH.
- Rosenthal, D, (2005), *The Israelis: Ordinary People in an Extraordinary Land* (Reissue edition ed.), New York, NY, United States of America: Free Press.
- Sela-Sheyovitz, R, (2012), The Impact of Globalization, Migration, and Social Group Process on Neo-Nazi Youth Gangs. In L. M. Esbensen, Finn-Aage (Ed.), *Youth Gangs in International Perspective: Results from the Eurogang Program of Research* (pp. 211-223), New York, NY, United States of America: Springer.
- Shpigel, N., & Lis, J, (2016,). *Former Mossad Chief: Israel's Greatest Threat Is Internal Division, Not Hezbollah*, August 31, Retrieved October 22, 2017, from HAARETZ: <https://www.haaretz.com/israel-news/premium-1.739379>.
- The Stream - Black and Jewish in Israel, (2015), [Motion Picture]. United States. Bureau of the Census, (1995), *Celebrating our nation's diversity: a teaching supplement for grades K-12*. Washington, United States of America: U.S. Dept. of Commerce, Economics and Statistics Administration.
- Yitzhaki, S., & Schechtman, E, (2007), *The "Melting Pot": A Success Story?* Central Bureau of Statistics, Jerusalem: Central Bureau of

- Statistics.
- Yuchtman-Yaar, E, (2005), Continuity and Change in Israeli Society: The Test of the Melting Pot. *Israel Studies*, Vol. , No.10 (2).
- Zameret, Z, (2002), The Melting Pot in Israel: The Commission of Inquiry Concerning Education in the Immigrant Camps During the Early Years of the State. Albany, NY, United States of America: State University of New York Press.
- Zangwill, I, (1920), *THE MELTING-POT DRAMA IN FOUR ACTS* (Vol. I). (N. A. EDITION, Ed.) New York, United States of America: THE MACMILLAN COMPANY.
- حيدر، عزيز، (٢٠١١)، المجتمع و التركيب السكاني، تأليف كميل منصور، دليل إسرائيل العام ٢٠١١ (الإصدار الطبعة الأولى)، بيروت: مؤسسة الدراسات الفلسطينية.
- سعيد، خالد، (٢٠١٤)، المهاجرون الروس قادمون.. إسرائيل إلى أين؟! (الإصدار الطبعة الأولى)، بيروت: مركز باحث الدراسات الفلسطينية والإستراتيجية.
- بثينة عدوني، (٢٠١٧)، الكيبوتس في الفكر اليهودي المعاصر (الإصدار الطبعة الأولى)، بيروت: مركز باحث الدراسات الفلسطينية والإستراتيجية.
- דהן, מ'! (٢٠١٣). האם כור ההיתוך הצליח בשדה הכלכלי? האוניברסיטה העברית : מכון Jerusalem והמכון הישראלי לדמוקרטיה, בית הספר למדיניות ציבורית. פהר.
- (October 2017). גם אני יוסף סלמסה. אוחזר ב- 13 February 2016 נגד, ע'! (29). <https://www.ha-makom.co.il/post/doar-omri-nagad-salamsa>
- (October 2017). אוחזר ב- 13 September 2017 לזכרו של יוסף סלמסה ז"ל. (26). https://www.facebook.com/pg/לזכרו-יוסף-סלמסה-זל-294279067418459/about/?ref=page_internal
- Jerusalem : הלשכה המרכזית לסטטיסטיקה. (2017). יהודים לפי ארץ מוצא וגיל. הלשכה המרכזית לסטטיסטיקה.
- בייזר, א' (סופר). (2016). היהודים באים [סרט]. ישראל.
- נישואים אזרחיים בישראל? (אין תאריך). (משרד עורך דין רון לוינטל ושות') , מתוך משרד עורך דין רון לוינטל ושות'! September 2017 אוחזר ב- 14 /אין-נישואים-אזרחיים-בישראל/http://www.ron-law.co.il/